

روی خط خبر

مرگ تلخ ارسلان ۲/۵ ساله

شهروند امادی بی رحم پسر خردسال خود را با لگد به قتل رساند. زوج شیشه‌های در مشهد به خاطر اختلافات شدید ۴ کودک خود را به بهزیستی سپرده بودند تا این که ۳ ماه پیش با ادعای این که از چنگ اعتیاد نجات یافته‌اند، کودکان خود را از بهزیستی بازپس گرفتند. شامگاه دوشنبه بود که دو نفر از فرزندان خردسال، داخل خانه با یکدیگر درگیر شدند. مادر ۳۱ ساله که از درگیری و دعوای دو کودک بشدت عصبانی شده بود، ناگهان چنان لگد محکم به شکم پسر ۵ ساله‌اش کوبید که او کنار این آشپزخانه بی حال روی زمین افتاد. اما وقتی پدر این کودک از سر کار به خانه آمد، زن ۳۱ ساله با مخفی کردن علت اصلی ماجرا وانمود کرد که سر کودک به گوشه دیوار اصابت کرده است. حال کودک وخیم شد که او را به درمانگاه محل رسانند، ولی پزشکان با معاینه مقدماتی، جان کودک را در خطر دیدند و بلافاصله او را به بیمارستان رضوی مشهد اعزام کردند. اما کودک خردسال پیش از معاینات پزشکی در بیمارستان جان باخت. کالبدشکافی پزشکان قانونی نشان می داد که کودک با اصابت ضربی سخت به پهلو یا ناحیه شکم به قتل رسیده است. بازجویی از مادر آغاز شد، اما او ادعاهای دروغینش را تکرار می کرد تا این که زن جوان وقتی در تنگنای بازجویی های قضایی قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و راز قتل ارسلان را افشای کرد. هم اکنون نگهداری از فرزندان این زوج که یک دختر و دو پسر هستند، به یکی از بستگان نزدیک آنها سپرده شده است. تحقیقات بیشتر درباره این جنایت هولناک همچنان ادامه دارد.

رسیدگی به پرونده پزشک تبریزی در شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور

شهروند | پرونده پزشک تبریزی از اواسط فروردین ماه امسال به دیوانعالی کشور به عنوان مرجع تجدیدنظر خواهی، ارسال شده و در مرحله رسیدگی در این دیوان قرار دارد. پرونده در نوبت رسیدگی قرار دارد، اما هنوز شعبه دیوان نظر خود را در این خصوص اعلام نکرده است. بابازاده، وکیل مدافع علیرضا صلحی معروف به پزشک تبریزی با اعلام این خبر گفت موکلم در زندان به سر می برد و منتظر نتیجه رسیدگی دیوان است، او اظهار بی گناهی می کند و امیدواریم عدالت در این پرونده اجرا شود.

پرونده پزشک تبریزی یکی از پر حاشیه ترین پرونده های سال های اخیر است؛ یک زن جوان و یک مادر بزرگ پیر قربانیان مسمومیت غذایی مشکوک شدند و پدر، مادر و پسر کوچک خانواده هم اگر اقدامات به موقع پزشک نبود، الان زنده نبودند تا سرنوشت این پرونده جنایی را با چشم خود ببینند. علیرضا صلحی پزشک معروف تبریزی است؛ همان پزشکی که از حدود دو سال پیش بانسخته های عجیبش معروف شد. علیرضا صلحی در ابتدا ادعا کرد که خانواده اش پس از خوردن غذای نذری مشکوک از سوی فردی نامعلوم مسموم شده اند. نهایتا پزشکی قانونی علت فوت دو نفر از اعضای خانواده این پزشک را مسمومیت با سم سفین اعلام کرد و وجود این سم در غذاها نیز تایید شد. جالب این است که پس از گذشت مدتی از تحقیقات، نذری نبودن غذاها نیز تایید شد تا دکتر صلحی به اتهام قتل عمد خانواده اش بازداشت شود. بازجویی های پلیس برای روشن شدن این پرونده در شرایطی آغاز شد که به گفته مسئولان قضایی، پزشک تبریزی به نذری نبودن غذاها و تهیه آنها از یک غذاخوری اعتراف کرد. فیلم های دوربین غذاخوری نیز که نحوه خرید این غذاها را ثبت کرده است، این گفته ها را تایید کرد، اما دکتر صلحی هیچ گاه به قتل اعضای خانواده اش اعتراف نکرد. نهایتا دادگاه پزشک تبریزی در سه جلسه و در شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان آذربایجان شرقی برگزار شد و دادگاه متهم را به قصاص محکوم کرد، اما پرونده با اعتراض دکتر صلحی به رأی صادره به دیوانعالی کشور ارسال شد.

نجات در کوه های زیدون

یک کوهنورد در ارتفاعات کوه های روستای زیدون از توابع این شهرستان صبح دیروز نجات یافت. براساس گزارش در یافتی از اهالی روستای زیدون آنفر در ارتفاعات این روستا مفقود شدند که تلاش برای یافتن آنان از روز دوشنبه آغاز شد. یک فروند بالگرد هلال احمر یاسوج به محل حادثه اعزام شد و به گشتزنی پرداخت اما به دلیل نبود نقطه معلوم موفق به یافتن این آنفر نشد. با تلاش مجدد نیروهای سپاه پاسداران، هلال احمر و اهالی روستا یکی از مفقودان صبح روز سه شنبه پیدا شد و مورد مداوا قرار گرفت. هنوز از سرنوشت فرد مفقود شده خبری در دست نیست.

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.



۸ سال پس از سرقت مجسمه های پایتخت به تازگی ۵ سر دیس برنز در کرج ناپدید شده است

غیب شدن تندیس ها این بار در کرج

یکی از اعضای شورای شهر کرج: امیدوارم انگیزه سارقان مالی باشد

۵ سر دیس در کرج به سرقت رفت. این سر دیس ها همگی متعلق به چهره های شناخته شده معاصر این شهر بودند که از سال ۹۲ در مجموعه باغ فاتح این شهر نصب شده بودند. ارزش ریالی این مجسمه ها ۳۰۰ میلیون ریال برآورد شده است و آن طور که مقامات شهری و کرج می گویند، سارقان هم به همین دلیل اقدام به دزدیدن این سر دیس ها کرده اند و پلیس هم در حال تحقیق از چند مظنون این حادثه است. با وجود این شهرداری کرج برای جلوگیری از سرقت های احتمالی دیگر اقدام به جمع آوری ۲ سر دیس دیگر این مجموعه کرده و آنها را به مکانی امن منتقل کرده است. این سرقت های عجیب در کرج در حالی پس از ۲۵ روز رسانه ای شده است که چند سال پیش مشابه همین حادثه در تهران اتفاق افتاد. سرقت های سریالی مجسمه های تهران که در مدت کوتاهی در سال ۸۹ پی پی باعث شد ۱۲ تندیس و مجسمه در تهران به طرز مبهمی ناپدید شود. نکته عجیب آن سرقت ها هم نامشخص بودن علت و انگیزه سارقان آن و البته دستگیر نشدن هیچ مظنون یا متهمی در این خصوص بود. به طوری که هنوز هم با گذشت ۸ سال از آن اتفاق هنوز هم آن پرونده مخمومه نشده است. حالا باید صبر کرد و دید که آیا تندیس های به سرقت رفته کرجی هم به سر نوشت تندیس های پایتخت دچار می شوند؟

هر چند خبر سرقت تندیس های باغ فاتح کرج صبح سه شنبه از سوی

سرپرست سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج اعلام شد اما رحیم خسرو، عضو شورای این شهر تاریخ وقوع این حادثه را ۲۵ روز پیش اعلام کرده و در این مدت اقدامات قضائی و انتظامی برای شناسایی و برخورد با متهمان این سرقت ها انجام شده است. او در توضیح بیشتر به «شهر وند» می گوید: «بیش از یک ماه پیش یعنی قبل از آغاز ماه مبارک رمضان ۵ تندیس از باغ فاتح بلوار جمهوری کرج به سرقت رفتند و بعد از آن شهرداری برای جلوگیری از اتفاق مشابه تندیس های باقیمانده را جمع آوری کرد.» به گفته او در محوطه زمین پارک مجموعه ۸ تندیس از چهره های معاصر کرج قرار داشت که در حال حاضر فقط ۳ عدد از آنها باقی مانده است که از سوی سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری

به مکان امنی منتقل شده است. این عضو شورای شهر با اشاره به انگیزه احتمالی سارقان گفت: «تا جایی که ما اطلاع داریم ۳ نفر در این ارتباط بازداشت شده اند و تحت بازجویی هستند. به احتمال زیاد انگیزه این سرقت ها مسائل مادی است؛ چون این مجسمه های برنزی حدود ۳۰۰ میلیون تومان ارزش داشته اند و حمل

عامل شهادت ۳۶ نفر از ماموران ناجا در منطقه گورناک دستگیر شدند. این متهم نقش اصلی در به شهادت رساندن ۳۶ مامور ناجا را داشت. این فرد علاوه بر این که نقش مهمی در ایجاد شراکت در منطقه داشت، به نقل و انتقال مواد مخدر نیز می پرداخت. فرد مجرم در برهه های مختلفی از زمان حرم زبیدی مواد مخدر و قاچاق خرید و فروش می کرد.

دستگیری عامل اصلی شهادت ۳۶ مامور ناجا

و جابه جایی آنها با توجه به وزن کمی که دارند، کار دشواری نیست.» همچنین خسرو درباره این که تندیس چه افرادی در این حادثه عجیب به سرقت رفته است، توضیح داد: «این تندیس ها به نوعی هویت شهر هستند؛ چهره اشخاص تأثیر گذار معاصر این شهر هستند که برای این آب و خاک جانشان را فدا کردند. شهیدان ملک زاده و میرزوی از فرماندهان سپاه در دوران جنگ بودند که تندیس این دو شهید به سرقت رفته است. سردیس آیت الله مدرسی، مهندس ساعی، بنیانگذار دانشکده منابع طبیعی البرز و حسین میر خانی ۳ تندیس دیگری هستند که به سرقت رفته اند. البته شهرداری پس از اطلاع از این موضوع تندیس شهید شرع پسند و تیمسار فلاحی را به جایی دیگری منتقل کرده است. همگی این اثرها هم کار استاد ایرج محمدی است که در سال ۹۲ در این مکان نصب شدند. البته امیدواریم که انگیزه سارقان از دزدیدن این تندیس ها فقط مالی بوده باشد.» در همین حال سرپرست سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج از تشکیل پرونده قضائی در خصوص سرقت این تندیس ها خبر داد. به گفته پیمان بضاعتی پور هم اکنون قاضی در حال تحقیق است و از تعدادی از افراد مشکوک به سرقت نیز بازجویی شده است: «ارزش ۵ تندیس به سرقت رفته ۳۰۰ میلیون تومان است و به احتمال زیاد همین انگیزه باعث سرقت این مجسمه ها شده است.» او همچنین با اشاره به جمع آوری ۲ تندیس دیگر این مجموعه برای در امان ماندن از سرقت های احتمالی دیگر گفت: «به منظور ساماندهی فضای بصری تندیس ها، معبری جدید تعریف شده است که به زودی این معبر ساخته خواهد شد. تندیس های به سرقت رفته مجدداً ساخته و جابجایی خواهند شد.»

این برای دومین بار در سال های اخیر است که مجموعه ای از تندیس ها به طرز مشکوکی ناپدید می شود. در ماه های پایانی سال ۸۹ بود که چند مجسمه در تهران یکی پس از دیگری ناپدید شدند. تندیس های که وزن برخی از آنها بالغ بر ۷۰۰ کیلوگرم بود و همین مسأله شک و تردیدها را در خصوص این حادثه

عجیب بیشتری می کرد. از مجسمه ستارخان گرفته تا سر دیس شهر یار و نواب صفوی از نقاط مختلف تهران به سرقت رفت. این پدیده عجیب اما به همین جا ختم نشد و چند اثر هنری دیگر هم به این سیاهه عجیب اضافه شد تا مجموع مجسمه های به سرقت رفته پایتخت به عدد ۱۲ برسد. با وجود همه جنجال ها، شایعات و ابهاماتی که در خصوص آن حادثه عجیب پیش آمد، سارقان هیچ وقت شناسایی نشدند. در واقع نیروی انتظامی آخرین حلقه ای بود که باید از پرونده سرقت هویت

پایتخت رمز گشایی می کرد، اما مجسمه ها ساخته شده و در نقاط مختلف تهران دوباره نصب شدند. هنوز هم بعد از این همه سال هیچ کس نفهمید که چطور چند تن مجسمه در حضور صدها دوربین گشت های پلیس در خیابان و معابر تهران ناپدید شدند؛ حادثه ای که انتظار می رود این بار برای کرج تکرار نشود.

این سرقت های عجیب در کرج در حالی پس از ۳۵ روز رسانه ای شده است که چند سال پیش مشابه همین حادثه در تهران اتفاق افتاد. این در حالی است که ۳ مظنون در پرونده باغ فاتح کرج دستگیر شدند

هر بار پول نقد و طلاهایشان را سرقت می کردیم. بیشتر اوقات هم کارت عابر بانکشان را می گرفتیم و هر چه پول داشتند، به حساب خودمان واریز می کردیم.

گفت و گوی «شهر وند» با ۲ زورگیری

که شگردهای عجیبی را برای سر کیسه کردن مردم انتخاب کرده بودند

نمایش اعدام با طناب دار در خانه وحشت خیابان انقلاب

شهر وند | از زورگیری با طناب دار گرفته تا سرقت شبانه از خانه های ویلایی؛ همه اینها شگردهای سارقانی بود که هر کدام سابقه های زیادی را در پرونده قضائی خود ثبت کرده اند. ۲۵۴ سارقی که در طرح رعده ۱۲ پلیس پیشگیری تهران بزرگ دستگیر و روانه زندان شدند. عده ای خود را بی گناه دانسته و عده ای دیگر به جرم های خود اعتراف می کنند. همه این سارقان به همراه ۱۰۲۷ متعاد مهاجر در ماموبیت پلیس روانه زندان و در این میان دو متهم نیز ماجرای سرقت هاییشان را برای خبرنگار «شهر وند» روایت کردند:

خانه وحشت

خانه اش به خانه وحشت تبدیل شده بود. دانشجویان و جویندگان کار که از شهرستان به تهران آمده بودند، آشنا می شد و آنها را به خانه وحشت می برد. خانه ای که در آن طناب داری بافته و آویخته بود. طعمه هایش را یکی یکی به خانه اش می برد. کافی بود که فقط طناب دار را نشان دهد. بعد از آن بود که قربانیانش از ترس جانانشان هر چه پول و طلا داشتند، به او و همدستش می دادند. مهدی و پناه با انداختن طناب دار، دور گردن طعمه هاییشان نقشه زورگیری های سریالی خود را در خانه شان اجرا می کردند. آنها با پرسه زدن در خیابان های مرکز شهر، کسانی که برای کار یا درس از شهرستان به تهران آمده بودند را شناسایی کرده و پس از طرح دوستی، آنها را به خانه شان می کشاندند. این دو سارق زورگیر که به تازگی از زندان آزاد شده بودند، صبح دیروز بار دیگر در طرح رعده پلیس پیشگیری پایتخت دستگیر شدند. مهدی که متهم اصلی این پرونده است، در گفت و گو با خبرنگار «شهر وند» جزئیات سرقت هایش را تشریح کرد:

طناب دار را خودت بافتی؟

از بیرون تهیه کردم. فقط خودم آن را گره زدم و به شکل طناب دار درست کردم.

چی شد که این نقشه را کشیدی؟

خانه من در انقلاب است. چون بچه آن محل هستم و آن جا هم مرکز شهر است، برای همین معمولاً در طول روز افراد زیادی را می بینم که از شهرستان به

تهران می آیند و به دنبال جایی برای خواب می گردند. از آنجایی که چند نفر را دیدم چنین وضعیتی داشتند، برای همین تصمیم گرفتم این نقشه را اجرا کنم.

طعمه های را چطور به خانه ات می کشاندی؟

آنها را در خیابان شناسایی می کردم. وقتی متوجه می شدم تازه به تهران آمده و هنوز جایی برای سکونت پیدا نکرده اند، با آنها طرح دوستی می ریختم. بعد از آن می گفتم خانه مجردی دارم و می توانی با من هم خانه شوی. آنها هم که به دنبال جایی برای زندگی می گشتند، بلافاصله می پذیرفتند و به خانه من می آمدند. گاهی اوقات هم می گفتم مهندس یا مدیرعامل هستم و کار و شغل خوب برایشان سراغ دارم. به همین بهانه از آنها می خواستم به دفتر کارم که همان خانه مجردی ام بود، بیایند.

بعد چکار می کردی؟

وقتی وارد خانه می شدند، با چاقو آنها را تهدید می کردم که تمام پول ها و طلاهایشان را به ما بدهند. اگر قبول نمی کردند، آنها را به اتاق می بردیم و طناب داری را که آویخته بودیم، به آنها نشان می دادیم. حتی یک صندلی هم زیر طناب می گذاشتیم. آنها هم وقتی طناب دار را می دیدند، از ترسشان هر چه پول و طلا داشتند، می دادند.

همدست هم داشتی؟

بله، یکی از دوستان صمیمی ام همدستم بود. ما با هم تمام سرقت ها را انجام می دادیم.

معمولاً در هر فرصتی، چقدر پول گیرتان می آمد؟



چطور شد که دستگیر شدید؟

همسایه ها به خاطر رفت و آمدهای مشکوک شکایت کرده بودند. ما هم وقتی دستگیر شدیم، لو رفتیم و به همه سرقت هایمان اعتراف کردیم.

سابقه داری؟

چندباری به جرم سرقت دستگیر شده ام.

پیرزن و پیر مرد های قربانی

به عنوان نصاب ماهواره می رفتیم. وقتی می دیدم صاحبخانه پیرمرد یا پیرزن است، آن جا را بیشتر بررسی می کردم. گاهی اوقات چندین روز صرف شناسایی یک خانه می کردم. رفت و آمدشان را چک می کردم و وقتی مطمئن می شدم که فقط زن یا مرد سالخورده در آن جا زندگی می کند، بار دیگر به عنوان نصاب ماهواره وارد خانه شان می شدم و سرقت می کردم.

وقتی وارد خانه می شدی چکار می کردی؟

با همدستم وارد خانه می شدیم. بعد از آن دست و پایی صاحبخانه را می بستیم و با تهدید قمه و چاقو دست به سرقت پول و طلاها می زدیم.

به کسی هم آسیبی می رساندید؟

نه اصلاً. فقط تهدید می کردیم. هیچوقت آسیبی نرساندیم.

از چند خانه با این شیوه سرقت کردید؟

۵ یا ۶ خانه بود.

هدفشان فقط پیر مرد ها و پیرزن ها بودند. وارد خانه هاییشان می شدند و با بستن دست و پای زنان و مردان سالخورده، از آنها زورگیری می کردند. شناسایی خانه هاییشان سخت بود. ولی برای هر کدام از نقشه هاییشان ساعت ها و روزهای زیادی را صرف می کردند تا بتوانند خانه های که پیرزن و پیر مرد های تنها ساکنش هستند را پیدا کنند. یکی از این دو سارق نیز ماجرای سرقت هاییشان را چنین توضیح داد:

چند سال داری؟

۲۷ سال.

چند وقت است که سرقت می کنی؟

از دو سال پیش شروع کردم. به دلیل این که در کارم روز شکسته شدم تصمیم به سرقت گرفتم.

شغلش چه بود؟

خیاط بودم. بعد از آن هم مدتی نصاب ماهواره شدم اما درآمد زیادی نداشت.

چطور وارد خانه این زنان و مردان می شدی؟